

آينه

زینا نظرار

فریاد از بی‌اعتنایی به علم و تجربه

● **حسن درگاهی:** ... به‌عنوان عضوی از کارگروه تخصصی ستاد اقتصادی دولت، شاهد ناهماهنگی دستگاه‌های ستادی دولت، به‌ویژه کوک ناساز دستگاه برنامه‌ریزی و نظارتی کشور بودم... بانک مرکزی با محافظه‌کاری تمام و به‌رغم هشدار کارشناسان، همیشه منتظر زمان مناسب برای اجرای اصلاحات پولی، بانکی و ارزی بود. به این جهت مصوبات کارگروه تخصصی عملا اثربخشی خود را از دست داد. در ۲۱ آبان ۹۴ مشکلات موجود را به آقای جهانگیری گزارش کرده و ضمن ارائه راهکار ایجاد هماهنگی در مدیریت اقتصادی کشور، از کارگروه استعفا دادم. بعد از مدتی نیز کارگروه کلا تعطیل شد. بنابراین ناهماهنگی‌های درونی از ابتدای تشکیل دولت جناب‌عالی وجود داشت و در مقاطع چیدمان تیم اقتصادی اکثر کارشناسان متذکر این موضوع شدند و بسیار تعجب آنکه شما [رئیس‌جمهور] نشنیدید... لطفا قیض و بسط سیاست‌های اقتصادی را در دوره رکود بعد از ۹۲ از خاطر بگذرانید که علت مهم آن عدم تبیین روشن مشکلات و راهکارها بر مبنای مدیریت علمی اقتصاد کشور بود؛ برای مثال تیم اقتصادی شما در انبساطی یا انقباضی‌بودن سیاست پولی، کاهش یا افزایش نرخ سود بانکی، نحوه مدیریت نرخ ارز را هم توافق نداشتند. فقط کافی است شدت تغییرات سیاست ارزی کشور را در فاصله سه ماه گذشته نگاه کنید و تعداد بخش‌نامه‌ها و مصوبات ارزی را بشمارید، آیا فکر می‌کنید دانش نظری و تجربی اقتصاد آن‌قدر بی‌خاصیت است که نتواند زمان سیاست پولی انبساطی یا انقباضی را تشخیص دهد؟

فریاد از بی‌اعتنایی به علم و تجربه

خشونت کلامی، محصول عقب‌ماندگی سیاسی

● **در گفت‌وگو با صادق زیباکلام:**... نکته جالب این است که براندازه و سلطنت‌طلب‌ها هم دقیقا شبیه تندروها رفتار می‌کنند؛ مثلا سلطنت‌طلب‌ها و براندازه‌ها می‌گویند که صادق زیباکلام سوپاپ اطمینان نظام و مزدور رژیم است، در مقابل تندروهای داخلی هم من را سرسپرده آمریکا و مزدور اسرائیل معرفی می‌کنند. اگر دقت کنید از منظر جامعه‌شناسی رفتار هر دو گروه به‌رغم تفاوت‌های ایدئولوژیک که میان تندروها و سلطنت‌طلب‌ها وجود دارد، شبیه هم است. هر دو به‌راحتی توهین و هتاک می‌کنند، تهمت می‌زنند و خودشان را حق مطلق معرفی می‌کنند. من فکر می‌کنم تعداد کتاب‌هایی که سلطنت‌طلب‌ها و تندروها می‌خوانند نزدیک به صفر باشد. این دو گروه به‌شدت دنبال تفرک‌های دلبی‌جان ناپلئونی هستند، اگر کسی از نظر جامعه‌شناختی این دو گروه را مورد بررسی قرار دهد مشخص می‌شود که همه‌شان ایرانی و محصول عقب‌ماندگی سیاسی جامعه ایران هستند.

ایران

اعتراض‌های مردم به نتیجه رقابت‌های مسئولان است

● **در گفت‌وگو با محمدرضا باهنر:** وضعیت فعلی کشور، وضعیت عادی‌ای نیست؛ یک جنگ تمام‌عیار علیه ما اعلام کرده‌اند که جنگ ظالمانه‌ای است. البته می‌شد بخش‌هایی از این جنگ را از قبل پیش‌بینی کرد. آقای ترامپ اوایل اردیبهشت‌ماه سال جاری رسما اعلام کرد از برجام خارج می‌شود و قاعدا باید به‌دنبال عواقب این حرکت می‌بودیم. باید توجه داشت آقای ترامپ بین رؤسای جمهوری آمریکا، یک آدم ویژه‌ای است. از طرفی کاسب است و کاسب‌کارانه به‌خروج می‌کند؛ از طرفی به بسیاری از مقررات، قوانین و تعهدات بین‌المللی پایبند نیست... داستان ناآرامی‌های دی‌ماه گذشته و مسائل دیگر در یکی، دو سال اخیر به‌خاطر رقابت‌های غیرضروری است. متأسفانه بسیاری از رسانه‌هایی که با نظام هستند، در جامعه حرف‌های وارونه می‌زنند؛ از صداوسیما گرفته تا سایت‌های خبری. حتی بعضی از تریبون‌های مقدس مثل تریبون‌های نماز جمعه... درعین حال که می‌گویم باید از دولت حمایت کرد، می‌گویم آقای روحانی باید یک خانه‌دگانی جدی کند.

فریاد از بی‌اعتنایی به علم و تجربه

آقای ظرفی! سرزنش نمی‌کنیم، اما فراموش هم نمی‌کنیم

● کاش این سخن جناب ظرفی را هرگز نشنیده بودیم که گفت: «کسانی که می‌گویند برجام هیچ کاری نکرد، باید شرایط دو سال گذشته را با شرایط امروز مقایسه کنند... یک خرده بعضی‌ها کفران نعمت کردند. یادشان نبود. بالاخره شکر نعمت باید می‌کردیم و باید بکنیم. لئن شکرتم لایذنکم و لئن کفرتم ان عذابی لشدید!». کاش می‌شد به آسانی گفت: «نشیده می‌گیرم آقای ظرفی!». اما بهتر از هر چیز آن است که بگوییم «سرزنش نمی‌کنیم آقای ظرفی، اما فراموش هم نمی‌کنیم!». اگر فقط همین یک گزاره را از ایشان شنیده بودیم، آن را سهو لسان و لغزش بیان به حساب می‌آوردیم و هم نشیدیم می‌گرفتم و هم فراموش می‌کردیم، اما ایشان در روزگاری که منتقدان، از سرزنش مذاکره‌کنندگان صرف‌نظر کرده‌اند و برای هم‌گرایی بیشتر میان دولت و غیردولت، سخنان محبت‌آمیز روانه خانه دولت می‌کنند، بر طبل واگرایی می‌کوبد و منتقدان برجام را عامل وضع کنونی کشور معرفی می‌کند، چراکه مثلا شکر نعمت برجام به‌جا نیاورده‌اند!

politics@sharghdaily.ir

شرق؛ مدت‌ها بود از بیماری رنج می‌برد تا اینکه شامگاه یکشنبه درگذشت. عباس دوزدوزانی اولین فرمانده کل سپاه در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۵۹ و از ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۰ در کابینه محمدعلی رجایی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بود. در دوره نخست مجلس شورای اسلامی هم نماینده تبریز بود و در ادوار دوم و سوم مجلس شورای اسلامی نیز به عنوان نماینده تهران در مجلس حضور داشت. از دیگر سمت‌های دوزدوزانی می‌توان معاون دکتر معین (وزیر علوم)، مشاور محمد خاتمی (رئیس‌جمهوری)، عضو و رئیس شورای شهر تهران در دوره اول شوروها و رئیس کانون زندانیان سیاسی قبل از انقلاب نام برد.

عباس دوزدوزانی در ۱۳۳۱ هجری‌شمسی در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش فراگرفت و چندی بعد با شکل‌گیری انقلاب، به فرمان حضرت امام خمینی و با همراهی چند نفر از انقلابیون، شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در دوم اردیبهشت ۱۳۵۸ پایه‌گذاری کرد و خود نیز به‌عنوان اولین فرمانده کل رسمی سپاه پاسداران مشغول به کار شد.

ورودش به عرصه سیاست و مبارزه با رژیم پهلوی بعد از آشنایی‌اش با دکتر بدالله سحابی و مهدی بازرگان آغاز شد و بعد به حزب ملل اسلامی پیوند خورد. خودش در خاطراتش گفته است: «آشنایی‌ام با دکتر سحابی به سال تحصیلی ۳۹-۴۰ برمی‌گردد. من در خرداد ۳۹ مدرک دیپلم گرفتم. دیپلم هم طبیعی بود که الان به آن می‌گویند تجربی. پدرم سواد نداشتند و به‌شدت مذهبی-سنتی بودند. ایشان فکر می‌کردند دانشگاه موجب بی‌دینی من می‌شود به این خاطر مانع شدند که من در کنکور پزشکی شرکت کنم؛ تا آنجایی که گفتند اگر دانشگاه بروی پسر من نیستی! حالم خیلی بد بود. استاد قرائت قرآنم که دبیر ادبیات عرب بود، با پدرم صحبت کردند ولی نتیجه‌ای حاصل نشد بعد در گوشی با من صحبت کردند و گفتند فلانی، من یک کلاسی سراغ دارم که برای تربیت معلم کلاس بسیار وزنی است و مسئولش هم دکتر سحابی است. من خیلی با دکتر سحابی و شخصیت‌های اجتماعی، سیاسی و علمی آن زمان آشنایی نداشتم. به یاد دارم ۳۰۰ تا ۳۵۰ نفر شرکت کردیم. هشت‌نفر از پسرها پذیرفته شدند که من یکی از آن هشت‌نفر بودم و بعد به کلاسی رفتم که عرض کردم صاحب آن دکتر سحابی بود. همین دانشگاه خوارزمی خیابان مفتح بود که قبلا دانش‌های مقدماتی بود و بعد دانشگاه تربیت‌معلم شده است. دکتر سحابی که خدا قرین رحمتشان کند، به ما آموزش‌وپرورش تدریس می‌کردند. تدریس عملی یاد می‌دادند. مهندس بازرگان نوشتاری به نام درس دین‌داری داشتند. آقای گلراده‌غفوری هم آنجا درس می‌دادند». او درباره اعضای جبهه ملی و نهضت آزادی گفته است: «اینها مردان پخته‌ای بودند. کسانی بودند که قبلا در «جبهه ملی» حضور داشتند و با پختگی‌ای که به مرور زمان برایشان حاصل شده بود، مشی اعتدالی داشتند. اینها تندرو نبودند با مشی اعتدالی زندگی کرده و مسئولیت‌هایشان را انجام می‌دادند. در مجلس هم که بودند با همان شخصیت معتدل سعی می‌کردند مشکت برای انقلاب و مملکت و نظام پیش نیاید و تلاششان در این مسیر بود».

دزدندان

سال ۴۰-۴۱ به عضویت حزب ملی اسلامی درآمد و سال ۴۴ با دستگیری اعضای حزب او هم به زندان افتاد. خودش گفته بود که پس از سه‌بار دستگیری از نظر کار و حقوق اجتماعی تا پیروزی انقلاب معلق شده بود. او در این دوره با اعضای نهضت آزادی هم‌بند بود. دوزدوزانی چیزی درباره اینکه آیا او در سازمان مجاهدين خلق قبل از تغییر ایدئولوژیک آن عضویت یا حتی گرایش داشته است یا نه، نگفته است اما بهزاد نبوی در خاطراتش از زندان دهه ۵۰ می‌گوید: «ما وقتی تغییر ایدئولوژی سازمان را دیدیم، بمیدیم تفکراتشان التقاطی بوده و این تفکرات موجب شده بود

تا گرایش مارکسیستی در سازمان رشد کند و عده زیادی عضو سازمان مارکسیست شوند. از آن پس، موضوع ما نقد سازمان بود و همین موضوع انتقادی موجب جدایی من از مجاهدين خلق شد. به‌رهمبری، صادق نوروزی، حسین منتظرحقیقی (برادر شهید محمد منتظرحقیقی) و حاج‌عباس دوزدوزانی دوستانی بودند که از مجاهدين خلق در زندان اوین جدا شدند. من هم همراه آنها بودم».

سپاه به‌روایت دوزدوزانی

شاید مهم‌ترین مقطع زندگی سیاسی دوزدوزانی بعد از انقلاب را بتوان همان دوران کوتاه فرماندهی‌اش بر سپاه دانست. پیش از او، جواد منصوری فرمانده موقت سپاه بود. خودش درباره چگونگی شکل‌گیری هسته نخست سپاه گفته است: «کسانی که در جریان مبارزات قرار داشتند، پس از گذشت دو‌دهه شاهد به‌ثمررسیدن انقلاب و تحقق آرمان‌هایشان شد. به‌رهمبری، امام خمینی(ره) بودند و مشاهده کردند سلسله آرزوهایشان محقق شده است، در این دوره به فکر حفظ و حراست از این انقلاب افتادند؛ این مسئله از اساسی‌ترین مسائلی بود که در ذهن کسانی قرار داشت که در جریان مبارزات شاهد تحقق آرمان خود بودند. باید یک بازوی نظامی محرم انقلاب به وجود می‌آمد. طبیعی بود که این سؤال در ابتدای کار مطرح شد که چگونه می‌توان

سیاست

عباس دوزدوزانی؛ ۱۳۲۱-۱۳۹۷

اولین فرمانده سپاه درگذشت



عباس دوزدوزانی

پیام‌های تسلیت برای درگذشت دوزدوزانی

در پی درگذشت «عباس دوزدوزانی»، نخستین فرمانده رسمی سپاه پاسداران، شخصیت‌ها و چهره‌های سیاسی در پیام‌هایی جداگانه، تسلیت گفتند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از جمله کسانی بود که در پیامی درگذشت عباس دوزدوزانی از وزاری پیشین این وزارتخانه ر تسلیت گفت. همچنین به گزارش «ایرنا»، محمدرضا عارف، رئیس فراکسیون امید و نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه عباس دوزدوزانی از پیشگامان انقلاب اسلامی ایران بود، گفتند که من در کنکور پزشکی شرکت کنم؛ تا آنجایی که گفتند اگر دانشگاه بروی پسر من نیستی! حالم خیلی بد بود. استاد قرائت قرآنم که دبیر ادبیات عرب بود، با پدرم صحبت کردند ولی نتیجه‌ای حاصل نشد بعد در گوشی با من صحبت کردند و گفتند فلانی، من یک کلاسی سراغ دارم که برای تربیت معلم کلاس بسیار وزنی است و مسئولش هم دکتر سحابی است. من خیلی با دکتر سحابی و شخصیت‌های اجتماعی، سیاسی و علمی آن زمان آشنایی نداشتم. به یاد دارم ۳۰۰ تا ۳۵۰ نفر شرکت کردیم. هشت‌نفر از پسرها پذیرفته شدند که من یکی از آن هشت‌نفر بودم و بعد به کلاسی رفتم که عرض کردم صاحب آن دکتر سحابی بود. همین دانشگاه خوارزمی خیابان مفتح بود که قبلا دانش‌های مقدماتی بود و بعد دانشگاه تربیت‌معلم شده است. دکتر سحابی که خدا قرین رحمتشان کند، به ما آموزش‌وپرورش تدریس می‌کردند. تدریس عملی یاد می‌دادند. مهندس بازرگان نوشتاری به نام درس دین‌داری داشتند. آقای گلراده‌غفوری هم آنجا درس می‌دادند». او درباره اعضای جبهه ملی و نهضت آزادی گفته است: «اینها مردان پخته‌ای بودند. کسانی بودند که قبلا در «جبهه ملی» حضور داشتند و با پختگی‌ای که به مرور زمان برایشان حاصل شده بود، مشی اعتدالی داشتند. اینها تندرو نبودند با مشی اعتدالی زندگی کرده و مسئولیت‌هایشان را انجام می‌دادند. در مجلس هم که بودند با همان شخصیت معتدل سعی می‌کردند مشکت برای انقلاب و مملکت و نظام پیش نیاید و تلاششان در این مسیر بود».

محسن هاشمی‌رفسنجانی، رئیس شورای شهر تهران در پیامی درگذشت رئیس شورای اول شهر تهران را تسلیت گفت و نوشت: «ضایعه درگذشت مرحوم عباس دوزدوزانی را که علاوه بر یکی از «سابقون انقلاب اسلامی و خدمتگزاران قدیم نظام جمهوری اسلامی ایران» را تسلیت گفت.

محسن هاشمی‌رفسنجانی، رئیس شورای شهر تهران در پیامی درگذشت رئیس شورای اول شهر تهران را تسلیت گفت و نوشت: «ضایعه درگذشت مرحوم عباس دوزدوزانی را که علاوه بر یکی از «سابقون انقلاب اسلامی و خدمتگزاران قدیم نظام جمهوری اسلامی ایران» را تسلیت گفت.

سیدمصطفی تاجزاده، معاون سیاسی وزارت کشور دولت اصلاحات هم درگذشت دوزدوزانی را تسلیت گفت.

از انقلاب حفاظت کرد؟ با توجه به شرایط و اوضاع موجود به نظر می‌رسید که باید یک بازوی نظامی محرم انقلاب به وجود آید چون نیروهایی که از گذشته باقی مانده بودند، کفایت حفاظت از انقلاب را نمی‌کردند و شاید در بخشی از آنها اطمینان لازم وجود نداشت. بنده که از زندانیان قبل از انقلاب بودم و چند نفر از زندانیان آن دوره دنبال آن بودیم که این بازوی نظامی -که باید اعتقادی و فکری باشد- شکل بگیرد. این بازوی نظامی باید در کنار نظامی‌گری، ضرورت‌های جهان و زمان و آینده‌نگری لازم را می‌داشت. در آن مقطع چقدرتانه از مجموع مبارزان قبل از انقلاب تشکیل شده بود که به دلایل متعدد با یکدیگر هماهنگ شده بودند و سازمان مجاهدين انقلاب اسلامی آن روزها را تشکیل دادند. در آن مقطع نیز جریان دیگری تحت رهبری شهید محمد منتظری و دو افسر شایسته و نخبه یعنی شهید نامجو و کلاهدوز شکل گرفت که آنها با دوستانشان به شهید منتظری متصل شده بودند و سادجا را تشکیل داده بود و فعالیت این گروه را سازماندهی کرده بودند. در آن مقطع یک شورای ۱۲نفره از این چند جریان تشکیل شده بود که از طرف سادجا شهیدان منتظری، نامجو و کلاهدوز از طرف سازمان مجاهدين انقلاب اسلامی شهید بروجردی، آقای محسن رضایی، محسن سازگارا و گاهی الویری از طرف دولت موقت آقای رفیق‌دوست،

آقای دانش جعفری و دکتر افسرو و از طرف زندانیان سیاسی قبل از انقلاب آقای جواد منصوری، ابوشریف، بنده و برخی مواقع ابراهیم محمدزاده و همچنین از طرف شورای انقلاب آقای موسوی‌اردبیلی و گاهی آقای هاشمی‌رفسنجانی در جلسات شرکت می‌کردند که در این جلسات درباره تشکیل این بازوی نظامی بحث و گفت‌وگوی بسیاری صورت گرفت».

دوزدوزانی با اشاره به اینکه اعضای این شورای ۱۲نفره به این نتیجه رسیدند تا برای کسب تکلیف از امام(ره) خدمت ایشان برسند و نتیجه تصمیمات خود را به ایشان برسانند، گفته است: «ما امام خمینی(ره) را در اتاقی که ایشان تفسیر سوره حمد می‌فرمودند، ملاقات کردیم؛ در آن دیدار امام(ره) رو به ما فرمودند: «مسئله‌ای که دنبال می‌کردید چه شد؟» من گفتم «تقریبا به نتیجه رسیده‌ایم ولی هنوز دولت موقت به‌ویژه آقای یزدی معتقدند که باید سپاه را دولت تشکیل دهد». امام(ره) هم این مسئله را نفی کردند و فرمودند بروید سپاه را تشکیل دهید و ما این فرموده امام(ره) را فرمان دانستیم. ما با شور و شعف به تهران بازگشتیم و در جلسه شورای ۱۲نفره، سخنان امام(ره) را به دوستان اعلام کردیم؛ در آن جلسه نیز دوستان به بنده مأموریت دادند تا باینجه تشکیل سپاه پاسداران انقلابی را بنویسم و در روز دوم اردیبهشت ۵۸ این‌باینه در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید؛ ما در آن باینجه ضرورت، اهداف و وظایف سپاه را شرح داده بودیم. تشکیل سپاه موجب تقویت سایر نیروهای نظامی شد». همچنین به گزارش «ایرنا»، محمدرضا عارف، رئیس فراکسیون امید و نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه «دوزدوزانی» عمر شریف خویش را صرف آرمان‌های والا کرد، درگذشت یکی از «سابقون انقلاب اسلامی و خدمتگزاران قدیم نظام جمهوری اسلامی ایران» را تسلیت گفت.

محسن هاشمی‌رفسنجانی، رئیس شورای شهر تهران در پیامی درگذشت رئیس شورای اول شهر تهران را تسلیت گفت و نوشت: «ضایعه درگذشت مرحوم عباس دوزدوزانی را که علاوه بر یکی از «سابقون انقلاب اسلامی و خدمتگزاران قدیم نظام جمهوری اسلامی ایران» را تسلیت گفت.

محسن هاشمی‌رفسنجانی، رئیس شورای شهر تهران در پیامی درگذشت رئیس شورای اول شهر تهران را تسلیت گفت و نوشت: «ضایعه درگذشت مرحوم عباس دوزدوزانی را که علاوه بر یکی از «سابقون انقلاب اسلامی و خدمتگزاران قدیم نظام جمهوری اسلامی ایران» را تسلیت گفت.

روزنه

آنها که امروز می‌روند چه زمانی آمده بودند؟
فرشید انصاری
کارشناس روابط بین‌الملل

● گفته‌ای از دکتر ظریف در یک سخنرانی باعث شده است برخی که تا امروز صرفا دلوایس بودند، حالا گرفتار شبهاتی درخصوص سن الهی نیز بشنوند. آقای ظریف گفته است: «کسانی که می‌گویند برجام هیچ کاری نکرد، باید شرایط دو سال گذشته را با شرایط امروز مقایسه کنند... یک خرده بعضی‌ها کفران نعمت کردند. یادشان نبود. بالاخره شکر نعمت باید می‌کردیم و باید بکنیم. لئن شکرتم لایذنکم ولئن کفرتم ان عذابی لشدید».

از جمله کسانی که دچار شبهه شده است، یادداشت‌نویس روزنامه جوان است که سخنان ظریف را سخره «همه علوم نقلی و عقلی» و «همه تجربه‌های علمی و فلسفی بشر» و علاوه‌برآن «تحریف قرآن شریف» دانسته و این سخنان را هم «خلاف منطق»، هم «خلاف عقل» و هم «خلاف سیاست‌ورزی» شمرده است. ابتدا باید شکر خدا را به‌جای آورد که در کشور دانشمندان بزرگی همانند یادداشت‌نویس محترم روزنامه جوان وجود دارند که نه در یک یا دو علم، بلکه در «همه علوم عقلی» و «همه علوم نقلی» صاحب‌نظر هستند و نیز با «همه تجربه‌های علمی و فلسفی بشر» آشنایی کامل دارند، استاد «سیاست‌ورزی» هستند، بر ظاهر و بواطن قرآن شریف تسلط دارند و تعارض یک جمله دکتر ظریف با تمام اینها را می‌توانند به سادگی تشخیص داده و مطرح کنند.

اما نگارنده که برخلاف ایشان فاقد چنان جامعیت علمی است، با عقل معمول بشری خود سخنان دکتر ظریف را منطقی و روشن می‌یابد، سخن دکتر ظریف همان حرفی است که در تمام سال‌های قبل و در دوران اجرای برجام هم می‌زد، اینکه برجام با تمام محاسن یا کاستی‌های احتمالی، یک ظرفیت عظیم فراوری اقتصاد کشور قرار داده بود که باید از این ظرفیت استفاده می‌کردیم. برجام با هر وصفی که داشت، محقق شده بود و از فرادی اجرائی‌شدن آن (یعنی زمانی که نظر قطعی و نهایی همه ارکان تصمیم‌گیر در کشورمان بر اجرائی‌شدن آن قرار گرفت) باید با تمام توان در جهت بهره‌برداری از فرصت‌های فراهم‌شده توسط آن اقدام می‌کردیم. این در حالی است که نه در دوره بررسی و تصویب برجام، بلکه پس از اجرائی‌شدن آن بسیاری از افراد و جریان‌های تأثیرگذار تمام هم‌وغم خود را صرف این کردند که اثبات کنند برجام توافق بدی بوده و اینکه هیچ کفایت اقتصادی‌ای در نتیجه برجام برای کشور فراهم نمی‌شود و اینکه هیچ شرکت بزرگ خارجی اگر عاقل باشد پا به ایران نمی‌گذارد و قس علیهذا. این همان چیزی است که ماه گذشته دکتر ظریف از آن تعبیر به «پیش‌بینی‌های خودمحقق‌ساز» کرده و گفته بود: «پیش‌بینی یک مسئول و فعال اقتصادی باید پیش‌بینی نیست؛ بلکه پیش‌بینی او به واقعیت تبدیل می‌شود و در روابط بین‌المللی می‌گویند اینها پیش‌بینی‌هایی است که خودبه‌خود محقق می‌شود». هم ظریف، هم عراقچی و هم سایرین بارهاوبارها هشدار داده بودند که مواضع و اظهاراتی از این قبیل صرفا تأثیر کلامی ندارند، بلکه مستقیما بر محاسبات طرف‌های خارجی که به صورت بالقوه آمده و علاقه‌مند به مشارکت اقتصادی با ایران و سرمایه‌گذاری در ایران هستند تأثیر می‌گذارند. کدام سرمایه‌گذار خارجی است که از تریبون‌های اثرگذار و بانفوذ در یک کشور بشنود – ولو خلاف‌واقع باشد – «سرمایه‌گذاری در ایران خلاف عقل است»، که «تحریم‌ها همه همچنان سرجایش است»، که «بیزودی ممکن است ایران از برجام بیرون برود» و برای سرمایه‌گذاری در ایران دچار تردید نشود؟ اینها همان پیش‌بینی‌های خودمحقق‌ساز بود که تأثیر مهیب بر وضعیت اقتصادی کشور گذشت. بماند که دوستانی که آن زمان چنان مواضع دلسردکننده و مخربی اتخاذ می‌کردند و مکررا در رسانه‌های خود تأکید می‌کردند که هیچ تحول اقتصادی و تجاری‌ای صورت نگرفته، گشایشی در امور بانک رخ نداده و شرکتی و سرمایه‌گذاری به ایران نیامده، اینک از زمان اعلام خروج آمریکا از برجام هر روز و با تفصیل خبر می‌دهند که فلان شرکت بزرگ اروپایی یا ژاپنی یا ک‌هرای از ایران رفت، فلان سرمایه‌گذار در حال پایان‌دادن به کار خود در ایران است، این شرکت دریایی و آن شرکت هواپیمایی دیگر با ایران کار نمی‌کند، صادرات فلان اقلام به ایران ادامه دارد، واردات بھمان اقلام از ایران متوقف شد و ... کسی نیست از این دوستان بی‌رسد این‌همه شرکت و سرمایه‌گذار هم‌گرایی بیشتر میان دولت و غیردولت، سخنان می‌کوبد و منتقدان برجام را عامل وضع کنونی کشور معرفی می‌کند، چراکه مثلا شکر نعمت برجام به‌جا نیاورده‌اند!

ادامه در صفحه ۱۵